



## پیش‌بینی منفی شدن نرخ رشد جمعیت ایران از سال ۱۴۴۵ / تاثیر تغییرات ساختار سنی جمعیت بر رشد اقتصادی ایران

در طول دهه‌های اخیر، روندهای جمعیتی نظیر کاهش نرخ باروری، افزایش طول عمر و انتقال نسل‌های پرجمعیت دهه‌های گذشته...

در طول دهه‌های اخیر، روندهای جمعیتی نظیر کاهش نرخ باروری، افزایش طول عمر و انتقال نسل‌های پرجمعیت دهه‌های گذشته به سنین میان‌سنالی و سالمندی، ایران را وارد یکی از حساس‌ترین مراحل گذار جمعیتی، یعنی سالخوردگی جمعیت کرده است. این گذار جمعیتی، اگر بدون سیاست‌گذاری هوشمندانه مدیریت شود، ممکن است با پیامدهایی چون افزایش فشار بر نظام‌های بازنشستگی و سلامت، ورشکستگی سیستم‌های پرداخت بازنشستگی، کاهش رشد اقتصادی، نابرابری‌های نسلی و

سنگین شدن بار اقتصادی به دوش جمعیت فعال رفته شود. به گزارش ایسنا، در بحث گذارهای جمعیتی، سود جمعیتی به رشدی در اقتصاد اشاره دارد که ناشی از تغییر در ساختار سنی جمعیت یک کشور است. این سود در دو مرحله رخ می‌دهد؛ سود جمعیتی اول ناشی از افزایش جمعیت در سن کار و سود جمعیتی دوم ناشی از سرمایه‌گذاری پس اندازهای انباشت شده در دوره پیشین است. در ایران پنجره سود جمعیتی اول در حال بسته شدن است و بهره‌بردن از سود جمعیتی دوم و فائق آمدن بر چالش‌های سالخوردگی جمعیت، مستلزم اصلاح نظام بازنشستگی و تقویت الگوهای پس انداز، سپرده‌گذاری شخصی و سرمایه‌گذاری است.

اقتصاددانان و جمعیت‌شناسان امروز باید به جای تمرکز صرف بر مزایای دوره رشد جمعیت، پویایی جدید ناشی از سالخوردگی و پیامدهای مالی، اجتماعی و ساختاری آن را به درستی درک و مدیریت کنند. تغییرات سنی می‌توانند به شکل‌گیری دو دوره «سود جمعیتی» منجر شوند. در دوره اول، نیروی کار افزایش یافته و از فشار اقتصادی بر خانواده‌ها کاسته می‌شود. در دوره دوم، سالمندان با پس انداز، سرمایه‌گذاری و مصرف منابع ناشی از دوره اشتغال، به رشد اقتصاد کمک می‌کنند.

در ایران، فرصت‌های حاصل از سود جمعیتی نخست در حال پایان یافتن و پنجره جمعیتی رو به بسته شدن است. در چنین شرایطی، تأخیر در اصلاح ساختارهای نهادی، نظام‌های بازنشستگی، الگوهای پس انداز و سیاست‌های حمایتی نه تنها تهدیدی برای پایداری اقتصادی و عدالت بین نسلی به شمار می‌رود، بلکه می‌تواند آینده جمعیت ایران را با بحران‌های عمیق تری مواجه سازد.

در بسیاری از کشورها، مواجهه با بحران‌های ناشی از سالخوردگی جمعیت و استفاده از فرصت‌های سود دوم جمعیتی، با مجموعه‌ای از سیاست‌های هوشمندانه دنبال شده است. ژاپن با اصلاح نظام بازنشستگی، افزایش سن بازنشستگی و فراهم کردن زمینه مشارکت سالمندان در بازار کار، توانست فشار بر نظام تأمین اجتماعی را کاهش دهد. آلمان و دیگر کشورهای اروپایی با گسترش بیمه‌های خصوصی بازنشستگی، تقویت سازوکارهای پس انداز خانوار و جذب مهاجران برای جبران کمبود نیروی کار، تجربه‌های موفقی را رقم زدند. کره جنوبی نیز با اجرای سیاست‌های پس انداز اجباری، سرمایه‌گذاری در آموزش و مهارت‌آموزی جوانان و زنان و توسعه صنایع فناوری محور برای افزایش بهره‌وری، به تقویت پایه‌های اقتصادی خود پرداخت. در ایالات متحده، تنوع بخشی به منابع صندوق‌های بازنشستگی از طریق سرمایه‌گذاری در سهام، اوراق و املاک، به همراه تشویق سالمندان به مصرف و سرمایه‌گذاری هدفمند از ابزارهای کلیدی پایداری نظام حمایتی بوده است. همچنین چین با ایجاد صندوق‌های پس انداز بازنشستگی فردی، گسترش بیمه‌های اجتماعی و تمرکز بر سلامت سالمندان، سعی کرده است آینده مالی و رفاهی جمعیت خود را تضمین کند.

باتوجه به این تجارب جهانی، ایران نیز ناگزیر است برای عبور از مرحله حساس گذار جمعیتی و پیشگیری از بحران‌های اقتصادی و اجتماعی از این درس‌آموخته‌ها بهره‌گیرد و به طور خلاصه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در گزارش حاضر برای مقابله با بحران‌های ناشی از گذار جمعیتی در کشور، مواردی چون اصلاحات در نظام بازنشستگی و تأمین اجتماعی، اتخاذ سیاست بهداشتی مناسب در جهت بهبود سطح مرگ و میر، تقویت پس انداز و انباشت ثروت در چرخه عمر و سرمایه‌گذاری در سرمایه‌انسانی نسل جوان و زنان را پیشنهاد کرده است.

از ۱۳۹۰ تا ۱۴۲۰، گروه‌های سنی میانسال بیشترین رشد جمعیتی را دارند، اما از سال ۱۴۲۵ رشد جمعیت سالمند غالب می‌شود. باتوجه به اینکه در دوره میان‌سنالی درآمد افراد معمولاً به بالاترین سطح خود می‌رسد، تقویت پس انداز در این دوره از یک سو به رفاه سالمندان در آینده کمک می‌کند و از سوی دیگر به افزایش سرمایه‌گذاری در سال‌های آتی و رشد اقتصادی کشور منجر می‌شود.

## نگاهی به تحولات ساختار سنی جمعیت در ایران پیش‌بینی منفی شدن نرخ رشد جمعیت ایران از سال ۱۴۴۵

ایران در حال تجربه گذار جمعیتی است؛ به این معنا که با کاهش نرخ باروری، افزایش امید به زندگی و رشد سالمندی، ساختار سنی جمعیت در حال تغییر است. کودکانی که در دهه‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ به دنیا آمدند، اکنون وارد میان‌سنالی شده‌اند و به زودی به سالمندی می‌رسند. پیش‌بینی می‌شود که از حدود سال ۱۴۴۵، نرخ رشد جمعیت ایران منفی شود.

در چند دهه گذشته، ایران دگرگونی‌های عمیقی در ساختار سنی خود تجربه کرده است. این تحولات عمدتاً حاصل کاهش سریع نرخ باروری از اوایل دهه ۱۳۷۰، افزایش امید به زندگی و حرکت نسل‌های پرجمعیت زاد و ولد دهه ۱۳۶۰ به سمت میان‌سنالی و سالمندی است. این روند، ساختار سنی کشور را به سوی سالخوردگی جمعیت سوق می‌دهد و پویایی‌های تازه‌ای در رفتار

اقتصادی گروه های سنی مختلف ایجاد می کند.

تغییرات جمعیتی گروه های سنی و نرخ رشد آن در فرایند گذار سنی در چهار مرحله رخ می دهد که گذار سنی در ایران را نیز توضیح می دهند:

مرحله اول (پربراری کودکی): با رشد جمعیت کودکان به ویژه در سنین زیر ۱۵ سال رخ می دهد. در ایران پس از کاهش مرگ و میر کودکان طی دوره ۱۲۵۵-۱۲۶۵، جمعیت خردسال (۹-۰ سال) افزایش یافت.

مرحله دوم (مرحله جوانی): مرحله دوم ۱۵ تا ۲۰ سال دیرتر از مرحله نخست شروع می شود. این مرحله که در ایران در دهه ۱۲۸۵-۱۲۷۵ رخ داد، مصادف با اوج نرخ رشد مثبت جمعیت ۲۹ - ۲۰ سال بود.

مرحله سوم (مرحله میانسالی): مرحله سوم از ۲۰ تا ۲۰ پس از مرحله جوانی آغاز می شود. در دهه کنونی، کشور شاهد رشد سریع گروه سنی ۴۰ تا ۶۵ سال است.

مرحله چهارم (مرحله سالمندی): این رشد پس از کاهش میزان باروری به سطوح پایین تر از حد جانشینی شروع می شود و هنگامی آغاز می شود که نسل های خیز زاد و ولد به سنین بازنشستگی برسند.

از منظر چرخه عمر، ساختار سنی جمعیت می تواند تأثیر مهمی بر وضعیت اقتصادی کشور داشته باشد. از این منظر فرض بر آن است که درآمد افراد در آغاز (دوران کودکی و پایان زندگی سالمندی) کم است و آنها در این دوره ها به خانواده یا دولت وابسته

اند. در مقابل، افراد در سنین میانسالی و اشتغال درآمد بیشتری دارند و برای دوران سالمندی پس انداز می کنند. یکی از شاخص های مهم برای تحلیل تغییرات ساختار سنی جمعیت، نرخ های رشد سهمی ویژه سنی است. این شاخص نشان می دهد که هر گروه سنی خاص با چه سرعتی نسبت به کل جمعیت رشد یا کاهش یافته است. بر اساس داده های

موجود بین سال های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۵، گروه سنی ۳۰ تا ۴۹ ساله بیشترین سهم را در رشد جمعیت دارند. اما از ۱۴۰۵ تا ۱۴۲۰ این سهم کاهش می یابد و گروه سنی ۵۰ تا ۶۴ ساله در مرکز تغییرات جمعیت قرار می گیرد. از حدود ۱۴۲۰ جمعیت سالمند

(۶۵ تا ۸۴ سال) به سرعت افزایش می یابد و پس از ۱۴۴۰، با رشد سریع سالمندان بالای ۸۵ سال مواجه خواهیم شد. طبق

پیش بینی سازمان ملل از سال ۱۴۴۵ نرخ رشد جمعیت در ایران منفی می شود. ایران از پربراری کودکی (دهه ۱۲۶۰) به جوانی و میانسالی (دهه ۱۲۸۵-۱۲۹۵) حرکت کرده است. با توجه به فرصت اندک برای

پی ریختن سود جمعیتی دوم، سیاست گذاری ها بایستی بر توسعه و رشد اشتغال و کاهش بیکاری به خصوص برای جوانان و زنان تمرکز داشته باشند.

### نسبت تغییرات ساختار سنی جمعیت و رشد اقتصادی در ایران

ایران در حال حاضر در سود جمعیتی نخست قرار دارد و تا ۱۴۰۶ از رشد اقتصادی ناشی از نیروی کار بهره مند است. با افزایش

فرصت های پس انداز و سرمایه گذاری در دوره حاضر، امکان بهره بردن از سود دوم جمعیتی و توسعه پایدار فراهم می شود. برای بررسی رابطه بین جمعیت و اقتصاد، یکی از شاخص های مهم و مفید «سود جمعیتی» است. این شاخص نشان می دهد

که چگونه تغییرات ساختار سنی جمعیت می تواند به رشد اقتصادی کمک کند. این تغییرات می توانند به شکلگیری دو دوره سود جمعیتی منجر شوند.

در دوره اول، جمعیت در سن کار زیاد می شود و چون تعداد افراد وابسته کمتر است، فشار اقتصادی بر خانواده ها و دولت کاهش می یابد و نیروی کار بیشتری در اختیار اقتصاد قرار می گیرد، در نتیجه سود جمعیتی نخست بر نسبت تولیدکنندگان مؤثر به

مصرف کنندگان مؤثر تأکید دارد. در دوره دوم، سالمندان با پس اندازها و دارایی هایی که در طول عمر جمع کرده اند، از طریق مصرف، سرمایه گذاری و مشارکت

اقتصادی، می توانند به افزایش سرمایه گذاری و رشد پایدار اقتصاد کمک کنند. به عبارتی اگر جمعیت سالمند در طول دوره کاری خود پس انداز کرده باشند و دارایی هایی مانند ملک سهام یا سرمایه های مالی دیگر داشته باشند می توانند از طریق مصرف

هدفمند سرمایه گذاری در بازارهای مالی و... منابع مالی قابل توجهی را وارد اقتصاد کنند و ثروت چرخه عمر را تقویت کنند. با شروع گذار سنی و از اواسط مرحله اول آن (دوره کودکی) تأثیرات مثبت تغییرات جمعیتی در اقتصاد بین نسلی و رشد اقتصادی

آغاز می شود؛ این تأثیرات در مراحل جوانی شتاب می گیرد، در مرحله میانسالی به اوج می رسد و در مرحله سالمندی افت می کند، با این حال آثار مثبت و بلندمدت آن در دوران سالخوردگی نیز همچنان ادامه می یابد.

در ایران، سود نخست جمعیتی، یعنی بهره برداری از افزایش نیروی کار جوان از سال ۱۳۶۷ شروع شد و احتمالاً تا حدود سال ۱۴۰۶ به پایان می رسد، این دوره اگرچه باعث رشد حدود ۲ درصدی اقتصاد شده، دوره ای گذراست. سود جمعیتی نخست در

ایران، در مقایسه با بسیاری از کشورهای در حال توسعه مانند اتیوپی، نیجریه، آفریقای جنوبی، برزیل، چین، هند، پاکستان و بنگلادش در مدت زمان کوتاه تر ولی با شدت بیشتری تحقق یافته است. دلیل این امر، احتمالاً مدت زمان کوتاه تر بین کاهش

مرگ و میر و باروری، کاهش زیاد و سریع تر باروری و در نتیجه تغییرات شدیدتر در سهم سنین کار و ساختار سنی در ایران بوده است.

بعد از پایان این مرحله، سهم جمعیت نیروی کار کاهش می یابد. اما سود دوم جمعیتی که نتیجه پس انداز سرمایه گذاری و بهره

وری بیشتر است، در سالهای ۱۴۱۰ تا ۱۴۳۰ می تواند بیش از ۳ درصد رشد اقتصادی ایجاد کند. این سود، کاهش نیروی انسانی را با افزایش سرمایه جبران می کند. در مجموع افزایش ثروت چرخه عمر و سود دوم جمعیتی در

کشورهای روبه پیشرفت از جمله ایران، فرصتی است که می تواند برای بالا بردن استانداردهای زندگی نسل های کنونی و آینده به طور یکسان از آن بهره برداری شود. تغییرات ساختار سنی اگر با سیاست گذاری درست همراه باشد، فرصتی برای بهبود

اقتصاد، افزایش رفاه و انتقال بهتر ثروت میان نسل هاست. سالمندی لزوماً بحران نیست، بلکه نیازمند برنامه ریزی آگاهانه است تا به یک فرصت تبدیل شود.

تغییرات جمعیتی در طول یک دوره ۵۰ ساله (از سال ۱۳۸۵ تا ۱۴۳۵) سهم بزرگی از رشد اقتصاد ایران را توضیح می دهند. به طوریکه بیش از ۳ درصد از رشد اقتصادی کشور در این بازه تنها به دلیل سود جمعیتی بوده است که رقم بسیار مهمی است.

### بهره مندی از سود جمعیتی در ایران/ راهکارهای سیاستی

ایران در حال حاضر در سود جمعیتی نخست قرار دارد و تا سال ۱۴۰۶ از رشد اقتصادی ناشی از نیروی کار بهره مند است. اصلاح نظام بازنشستگی، تقویت پس انداز، بهبود سیاست های بهداشتی و سرمایه گذاری در نیروی کار جوان و زنان، کلید مدیریت

پیامدهای اقتصادی و نهادی این تحول است.

سود اول و دوم جمعیتی زمانی می توانند به رشد اقتصادی کمک کنند که با سیاست های اقتصادی و اجتماعی درست همراه شوند. سود اول که از افزایش جمعیت در سن کار ناشی می شود تنها در صورتی مؤثر است که فرصت های شغلی کافی برای این جمعیت فراهم شود. سود دوم که نتیجه پس انداز سرمایه گذاری و بهره وری بیشتر در دوران میانسالی و سالمندی است نیازمند سیاست هایی است که مردم را به پس انداز و سرمایه گذاری بلندمدت تشویق کند، نه اینکه به انتقال ثروت از نسل های فعال به غیرفعال متکی باشد. بخشی از سود دوم به طور طبیعی شکل می گیرد، اما استفاده کامل از آن نیازمند آینده نگری و پاسخ هوشمندانه به تحولات جمعیتی است.

در حال حاضر ایران در پایان مرحله سود اول قرار دارد؛ دوره ای که سهم جمعیت در سن کار بالاست و نسبت وابستگی پایین. این مرحله فرصت هایی برای رشد اقتصادی، افزایش پس انداز ملی و تقویت نظام بازنشستگی فراهم می کند، اما گذراست و اگر از آن برای اصلاحات اساسی استفاده نشود، فشار اقتصادی در آینده بیشتر نخواهد شد.

**ورود نسل های پرشمار به سن بازنشستگی از حدود سال ۱۴۱۰**  
از حدود سال ۱۴۱۰ با ورود نسل های پرشمار به سن بازنشستگی، ساختار اقتصادی کشور با چالش های بزرگی روبه رو می شود، وابستگی سالمندی افزایش می یابد به این معنا که یک سوم جمعیت مصرف کننده خواهد بود بدون آنکه تولید کند. رشد اقتصادی کند می شود و تقاضا برای خدمات سلامت و رفاه سالمندان بیشتر خواهد شد. برای مقابله با این روند لازم است دولت از همین حالا با برنامه ریزی مناسب از فرصت های جمعیتی باقی مانده به نفع آینده کشور بهره بگیرد. فرصت بهره برداری از تغییرات جمعیتی به صورت خودکار حاصل نمی شود. حتی برعکس، در غیاب اصلاحات ساختاری، پیامدهای سالخوردگی می تواند منجر به بحران در نظام های بازنشستگی و سلامت، ناپایداری مالی دولت و... شود. به بیان دیگر، اگر جامعه نتواند در دوره فعلی که جمعیت کار در اوج خود است، برای آینده پس انداز کند، نسل آینده با فشارهای دوجندان روبرو خواهد شد.

سالخوردگی در ایران دیگر یک پدیده آینده نگر نیست؛ بلکه روندی آغاز شده و پرشتاب است. تأخیر در واکنش تنها باعث از دست رفتن فرصت ها و تعمیق بحران ها خواهد شد.

**گزارش حاضر مجموعه ای از راهبردها را برای مدیریت گذار جمعیتی و آماده سازی اقتصاد ایران برای ورود به عصر سالمندی پیشنهاد می دهد:**

**اصلاحات در نظام بازنشستگی و تأمین اجتماعی:** سالخوردگی جمعیت سرانجام رخ می دهد و تجربه سالخوردگی جمعیت در چند دهه آینده شتابان خواهد بود. اصلاح نظام بازنشستگی یک اولویت است. یک پیشنهاد در برخی از تحقیقات پیشین افزایش طول عمر کاری بوده است. راه حلی که برای سالخوردگی جمعیت مورد بحث قرار گرفته است، این است که چون سالمندان بیشتر از گذشته عمر می کنند، بنابراین باید بیشتر کار کنند. با این حساب به تعویق انداختن سن بازنشستگی امکان مهم و غیر قابل انکاری است که مورد توجه قرار دارد.

اتخاذ سیاست بهداشتی مناسب: با فرض نرخ ثابت مرگ و میر، سود دوم جمعیتی تا حد زیادی کاهش می یابد. سطح بقای بالاتر سنین سالمندی منجر به دوران بازنشستگی طولانی تر و تغییر در ساختار سنی به تمرکز بیشتر جمعیت گروه های سنی دارای ثروت بیشتر منجر می شود. این دو نیرو سبب افزایش تقاضا برای ثروت بازنشستگی در جهت رفع نیازهای سالمندی، تحریک سرمایه گذاری و افزایش بهره وری نیروی کار می شوند. بنابراین، اتخاذ سیاست بهداشتی مناسب در جهت بهبود سطح مرگ و میر به ویژه در سنین بزرگسالی و سالمندی می تواند به بهره داری بیشتر از سود دوم کمک کند.

تقویت پس انداز و انباشت ثروت در چرخه عمر: پرداخت های نظام بازنشستگی که در آن حقوق بازنشستگی از درآمدهای جاری دولت تأمین می شود، در صورت گسترش بیش از حد به احتمال زیاد با مشکل روبرو خواهد شد. با این حال، همزمان با گذار سنی، تغییر در نظام های حمایتی و انتقال ها در حال وقوع است و سهم رشد عمومی سرمایه (پس انداز بلندمدت و سرمایه گذاری) در مقایسه با رشد انتقال منابع به نسل ها (همچون حقوق بازنشستگی و خدمات درمانی رایگان) در حال افزایش است. اگرچه به دلیل تداوم رکود تورمی توان پس انداز بخشی از بازنشستگان کاهش یافته است، بر این اساس و با توجه به سالخوردگی شتابان جمعیت در ایران، بایستی نظام های مبتنی بر پس انداز شخصی سپرده گذاری و سرمایه گذاری به جای گسترش برنامه های انتقال برای حمایت از سالمندان تشویق و تقویت شود.

نظام های مالی با عملکرد مناسب و شفاف لازمه انباشت و مدیریت دارایی هایی که سالمندان به آن وابسته هستند نیازمند جلب اعتماد عمومی، ایجاد محیط های امن و پایدار برای پس انداز و افزایش فرصت های سرمایه گذاری برای میلیون ها نفری است که می خواهند آینده سالمندی خود را تضمین کنند.

دولت باید ایجاد و توسعه برنامه های عمومی برای تأمین سالمندان را که در آن پس انداز تشویق شود، از همین امروز و نه فردا برنامه ریزی کند و به طور کامل پیامدهای سالخوردگی را پیش بینی کند.